

### ابطح: مکانی شریف در پیرامون مکه

ابطح (جمع: أَباطح) به معنای رودی فراخ است که کف آن را سنگریزه پوشانیده باشد. نیز به کف و داخل دره، ریگزار، مسیل آکنده از سنگریزه و گذرگاه سیل تنگ یا فراخ<sup>۱</sup> و به هر جای فرورفته، ابطح گفته‌اند. جاهای فراوان به این نام شهرت یافته‌اند؛<sup>۲</sup> اما مشهورترین آن‌ها ناحیه‌ای در شمال مکه، حد فاصل این شهر و سرزمین منا و اندکی نزدیک‌تر به منا، میان دو کوه حجون و جبل نور و متصل به المَعْلَى است.<sup>۳</sup> اکنون بیشترین بخش ابطح در محدوده شهری مکه در منطقه مُعابده قرار گرفته است. در منابع از این سرزمین افزون بر ابطح به خیف (منزلگاه) بنی کنانه و مُحَصَّب\* یاد شده؛ زیرا از سنگریزه و شن پوشیده شده است. در گزارشی نیز از آن به ذی طوی<sup>۴</sup>\* تعبیر شده که یاقوت حموی آن را رد کرده است.<sup>۵</sup> این مکان را به سبب هموار بودنش سیل فرامی‌گرفته است.<sup>۵</sup>

به نقل از امام صادق علیه السلام، حضرت آدم علیه السلام به امر الهی تا طلوع فجر در ابطح درنگ

و السامرائی، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المحرر الوجیز: ابن عطیة الاندلسی (م. ۵۴۶ق.)، به کوشش عبدالسلام، لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ معانی القرآن: الفراء (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش نجاتی و نجار، مصر، دار الکتب المصریه؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۲۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المعرب من الکلام الاعجمی: الجوالیقی (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ المفصل: جواد علی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ المنجد فی اللغه: لويس معلوف (م. ۱۹۴۶م.)، بیروت، دار المشرق، ۱۹۹۶م؛ المنمق: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.

رقیه جعفرپور / حسین تقی‌پور



ابطال حج ← فساد حج

۱. لسان العرب، ج ۲، ص ۴۱۳؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۱۰.  
 ۲. «بطح» معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.  
 ۳. الصحاح، ج ۱، ص ۲۵۶، «بطح».  
 ۴. اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۹؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۱۰.  
 ۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.  
 ۵. نک: اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۲۹؛ ج ۳، ص ۳۱۶.

کرد. <sup>۱</sup> برخی بر این باورند که این سرزمین را ابطح نامیدند، زیرا ایشان در آن جا درنگ کرد. <sup>۲</sup> سپس وی به دستور جبرئیل علیه السلام شیطان را در منا رجم کرد. <sup>۳</sup> به نقل ازرقی، ابراهیم علیه السلام نیز در ابطح حضور یافته است. <sup>۴</sup>

بر پایه گزارش هایی، قصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله در پی مرگ حلیل خزاعی بزرگ مکه، از این رو که داماد و جانشین او بود یا در پی نبرد با قبایل خزاعه و بنی بکر و چیرگی بر ایشان در ابطح <sup>۵</sup>، ریاست مکه را به دست گرفت. از کارهای مهم وی در دوران ریاستش آن بود که تیره های قریش را از پیرامون آن شهر فراخواند و برخی را در ابطح <sup>۶</sup> و شماری دیگر را در حومه مکه اسکان داد که به ترتیب به «قریش بطاح» (بطائح) و «قریش ظواهر» شهرت یافتند. <sup>۷</sup> خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از قریش بطاح بودند. عبدمناف و عبدالمطلب، اجداد رسول خدا و ابوطالب عموی ایشان را به ترتیب قمر البطحاء <sup>۸</sup>،

ابوالبطحاء <sup>۹</sup> و سیدالبطحاء خوانده اند. <sup>۱۰</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همانند اجداد خود ابطحی بود. به نقل طبری، جبرئیل علیه السلام در آن جا بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد. <sup>۱۱</sup> دعوت آشکار رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در ابطح آغاز شد. <sup>۱۲</sup> هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمره القضاء را به سال هفتم ق. انجام داد، از ورود به خانه های مکه خودداری کرد و در ابطح چادر زد. <sup>۱۳</sup> در روز فتح مکه به سال هشتم ق. نیز خیمه خود را در آن مکان برافراشت. <sup>۱۴</sup> پس از فتح آن شهر، چند تن از زنان، از جمله هند همسر ابوسفیان، به جایگاه استقرار رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابطح آمدند و با ایشان بیعت کردند. <sup>۱۵</sup> از همین مکان پیامبر صلی الله علیه و آله به مصاف قبیله هوازن رفت و نبرد حنین رخ داد. <sup>۱۶</sup> در حجة الوداع به سال دهم ق. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از حرکت از منا نماز ظهر و عصر را در ابطح به جای آورد. <sup>۱۷</sup> گویا ایشان چند بار در بازگشت از برخی غزوه ها و نیز پس از مناسک حج، در سال دهم ق. در ابطح فرود

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۷۳.  
 ۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.  
 ۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۶.  
 ۴. اخبار مکه، ج ۱، ص ۷۴.  
 ۵. الطبقات، ج ۱، ص ۶۷-۶۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۰.  
 ۶. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۹-۵۲.  
 ۷. المحجرت، ص ۱۶۷؛ الطبقات، ج ۱، ص ۷۱.  
 ۸. سبل الهدی، ج ۱، ص ۲۷۲؛ اضواء البیان، ج ۲، ص ۶۲.

۹. سبل الهدی، ج ۱، ص ۲۶۲؛ السیرة الحلبیه، ج ۱، ص ۹؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۱۳۳.  
 ۱۰. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸.  
 ۱۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۱-۵۲.  
 ۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴.  
 ۱۳. المغازی، ج ۲، ص ۸۲۹؛ الطبقات، ج ۲، ص ۱۲۲.  
 ۱۴. المغازی، ج ۲، ص ۸۲۸-۸۳۰؛ اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۶۱.  
 ۱۵. المغازی، ج ۲، ص ۸۵۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۲۳۶.  
 ۱۶. المغازی، ج ۲، ص ۸۰۹.  
 ۱۷. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۱۳.

سرزمین منا یادآور شده‌اند.<sup>۶</sup> حرّ عاملی بابی با عنوان «استحباب بلند گفتن لبیک در ابطح در حج تمتع» گشوده است.<sup>۷</sup> نیز گفته‌اند که مستحب است حاجیان برای تأسی به سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پس از رسیدن به ابطح اندکی توقف و استراحت کنند و سپس به مکه وارد شوند.<sup>۸</sup> سیره امام باقر علیه السلام همانند پیامبر صلی الله علیه و آله توقف کوتاه مدت در آن جا بوده است.<sup>۹</sup> گویند: در ابطح مسجدی بوده که اکنون از آن اثری نیست.<sup>۱۰</sup> برخی از فقیهان اهل سنت خواندن نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در این سرزمین، سنت می‌دانند.<sup>۱۱</sup> گویند: ابوبکر نماز ظهر را در ابطح خوانده است.<sup>۱۲</sup> از دیگر سنن، استحباب ورود به مکه از بلندای آن و ابطح است؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از این سوی به مکه درآمده است.<sup>۱۳</sup>

### ◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م، ۲۴۸ق)، بیروت، دار الاندلس، ۴۱۶ق؛ الاستبصار: الطوسی

۶. النهایه، ص ۲۴۸.
۷. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹۶.
۸. الکافی، ج ۴، ص ۵۲۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۳۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۲.
۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۲.
۱۰. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۷۶.
۱۱. نک: المغنی، ج ۳، ص ۴۸۳-۴۸۴.
۱۲. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۸.
۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۸۰.

آمده و نماز خوانده است.<sup>۱</sup>

جای داشتن سرزمین ابطح در جوار بیت الله الحرام، سکونت برخی از تیره‌های ممتاز قریش در آن جا، و قرار داشتش در مسیر حرکت حاجیان به منا و به عکس، مایه قداست این مکان گشته است. از این رو، برخی از قریش به خود نسبت ابطحنی می‌داده و بدان افتخار می‌کرده‌اند؛ چنان که معاویه در مقام مفاخره به امام حسن علیه السلام گفت: من پسر بطحاء و مکه‌ام. سپس ایشان با بیان افتخارات خود بدو پاسخ داد. <sup>۲</sup> نیز آن گاه که هشام اموی هنگام طواف کعبه، امام سجاد علیه السلام را دید و وانمود کرد که ایشان را نمی‌شناسد، فرزدق شاعر گفت که او کسی است که سنگریزه‌های سرزمین بطحاء او را می‌شناسند.<sup>۳</sup> هذا الذي تعرف البطحاء وطأته

و البيت يعرفه و الحل و الحرم

بیشتر فقیهان شیعه بلند گفتن لبیک در ابطح را سنت و مستحب دانسته<sup>۴</sup> و در این حکم تفاوتی میان سواره و پیاده قائل نشده<sup>۵</sup> و استحباب استمرار آن را تا هنگام خروج به

۱. نک: البداية و النهایه، ج ۵، ص ۲۲۳-۲۲۵.
۲. تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۱۳.
۳. تاریخ دمشق، ج ۱۷، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ ج ۴۱، ص ۴۰۰؛ مناقب، ج ۳، ص ۳۰۶.
۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۸؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۵۱؛ المقنع، ص ۲۶۷-۲۶۸.
۵. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۸۸.

(م. ۱۳۶۰ق.)، به کوشش موسوی الخراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ **اضواء البيان**: محمد امین الشنقیطی (م. ۱۳۹۳ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **انساب الاشراف**: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ **البدایة و النهایه**: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ **تاج العروس**: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ **تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)**: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ **تاریخ مدینة دمشق**: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **تاریخ الیعقوبی**: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **جواهر الکلام**: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **دعائم الاسلام**: النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق؛ **سبل الهدی**: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ **السیرة الحلبيه**: الحلبي (م. ۱۰۴۴ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق؛ **الصحاح**: الجوهري (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش احمد العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **الکافی**: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ **مجمع البحرین**: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ **المحبر**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیتز،

بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**: الشهید الثانی (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **مستدرک الوسائل**: النوری (م. ۳۲۰ق.)، بیروت، آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق؛ **معجم البلدان**: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **المغازی**: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ **المغنی و الشرح الکبیر**: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.) و عبدالرحمن بن قدامه (م. ۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **المقنع**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه الامام الیهادی (علیه السلام)، ۱۴۱۵ق؛ **مناقب آل ابی طالب**: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ **من لایحضره الفقیه**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **النهایه**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش آغا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۲ق.

سید محمود سامانی



### **ابلیس: موجودی سرکش از فرمان الهی و**

**وسوسه گر در برابر آدم هنگام انجام مناسک**

**حج، و نیز برابر ابراهیم هنگام ذبح اسماعیل**

ابلیس به معنای یأس، حُزن، ترس و پشیمانی آمده است و ابلیس از آن رو به این نام خوانده شد که از رحمت الهی مأیوس